

مختصری درباره جلدسازی

و نقدی بر کتاب جلدسازی ایرانیان، از سلجوقیان تا قاجار

● مهدی عتیقی

پژوهشگر نسخه‌های خطی

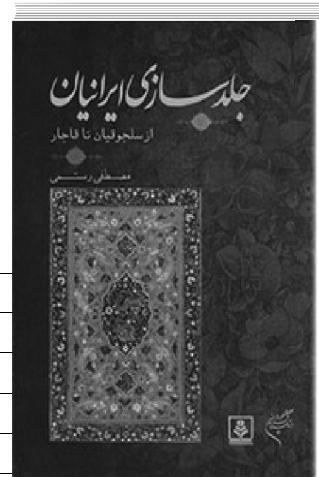
مقدمه

هنر جلدسازی ایران، به‌ویژه در دوران اسلامی، بسیار بااهمیت است. همانا که با وجود محفظه‌ها و نهایتاً جلد‌های مستحکم و گاه هنری، نسخه‌های نفیس مذهبی و علمی و ادبی حفظ شد و گاهی این جلد‌ها آن قدر باارزش و نفیس بودند که وارد خزانه‌ها و کتابخانه‌های سلاطین و حکمرانان می‌شدند. هنرمندان خوش ذوق و ماهر تلاش می‌کردند در نهایت دقت و زیبایی، و حتی با استفاده از سنگ‌های گران قیمت جلد‌های متنوعی خلق کنند.

این طرز فکر باعث می‌شد که طرح‌ها و حتی نوع جلد‌ها ویژگی و تنوع بسیار زیادی داشته باشند. برای بعضی از نسخ ممتاز، به‌جز جلد اصلی محفظه‌ای همانند جلد اصلی از جنس مقوای محکم و چرم مناسب تهیه می‌شد که داخل آن نواری می‌چسباندند و کتاب به‌کمک این نوار از محفظه خارج می‌شد. همه این‌ها به‌این منظور ساخته می‌شد که جلد اصلی از گزند حوادث فیزیکی مصون بماند.

بی تردید تبادل هنر نسخه‌پردازی و جلدسازی، مخصوصاً در مورد کلام‌الله و نسخه‌های نفیس، در سیطره وسیع اسلامی امری اجتناب‌ناپذیر بود. می‌توان به جلد‌های مملوک که در مصر و مراکش و بعضی از کشورهای آفریقایی مجاور مصر که در سلطه عثمانی‌ها قرار داشت و حکومت مملوکیان در آن سرزمین‌ها به‌وجود آمد اشاره کرد؛ یعنی اولین جلد‌هایی که با نقوش هندسی برای قرآن‌ها و جزوات قرآن ساخته شد نمونه‌های معروف به مملوکی بود.

در این میان، جلد‌های ساخته‌شده در هر کشوری که کار هنری زیباتری اجرا می‌کرد با تغییراتی مورد تقلید قرار می‌گرفت. این نوع جلد‌ها بسیار ظریف ساخته می‌شدند. ساختار اصلی آن‌ها مقوایی بود که از به‌هم چسباندن اوراق قرآن‌ها و کتاب‌های ناقص با سریش آماده می‌شد؛ این مقواها معمولاً نازک ساخته می‌شدند. پس از آن، هنرمند جلد‌ساز



■ رستمی، مصطفی، جلدسازی ایرانیان،

از سلجوقیان تا قاجار. ناشر: فرهنگستان

هنر؛ تاریخ چاپ: آبان ۱۳۹۲. قطع:

رحلی. قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال شابک:

۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۱۸۵-۸



تصویر ۱ جلد مملوکی

پس از طراحی به وسیله ابزارهای بسیار کوچک به شکل سمبه که همه آن‌ها مکمل یکدیگر بودند، شکل‌های هندسی را روی جلد می‌کوبیدند و نهایتاً جلد به شکل‌های مختلف با نقوش هندسی دایره و بیضی و قطاعی از دایره طراحی و اجرا می‌شد.

ساختن و پرداختن این نوع جلدها بسیار دشوار بود و دقت فوق‌العاده لازمه یک اثر عالی بود؛ زیرا نقوش به شکل گره‌چینی منظم و حواشی جلدها همانند طناب و یا زنجیر اجرا می‌شد.

با توجه به دوران‌های مختلف تاریخی و مشکلات جابه‌جای حکومت‌ها، توجه به کتاب و هنرهای آن فرازونشیب‌های فراوانی داشت. مراکز هم‌چون مراغه و تبریز و شیراز و اصفهان از غرب و مرکز، و هرات و بخارا و سمرقند از شرق فعالیت‌های هنری و کتاب‌آرایی مختلفی داشتند. یکی از مراکز مهم خراسان بزرگ بود که هرات و بخارا و سمرقند بخشی از همین مرکز اسلامی بودند.

به برکت وجود امام هشتم، علی بن موسی الرضا(ع)، خراسان به یکی از مراکز مهم کتابت قرآن و وجود ادعیه مختلف و بعضاً نسخه‌های ادبی و دیوان شعرا تبدیل شد؛ ایجاد کتابخانه رضوی باعث گردهم‌آمدن هنرمندان بنام شد؛ خطوط کوفی شرقی روی

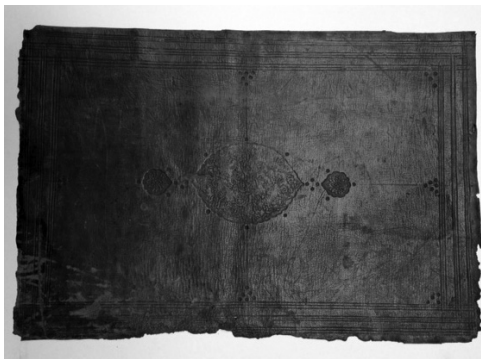
پوست و کاغذ نوشته شد و سپس جلد آن‌ها با تغییراتی و به تقلید از جلد‌های مملوکی ساخته شدند. و این موضوع تقریباً تا اواخر قرن ششم قمری ادامه داشت.

هنرمندان با ذوق ایرانی با ابداع قالب‌های ضربی که بتواند نقوش را یک‌جا به شکل ترنج و سرترنج اجرا کند شیوه جدیدی را به وجود آوردند، بنام جلد ضربی یا کوبه‌ای. با ابداع این روش، برای آنکه اثر ضرب شدن این قالب‌ها و نقوش بهتر باشد، لازم بود جلد ضخیم‌تر ساخته شود. جنس این قالب‌ها از فولاد، مس و برنج انتخاب می‌شد.

برای ساختن و پرداختن این نوع جلد، استادان حکاک ضربی‌ها را که طرح کلی آن‌ها به شکل ترنج و سرترنج با نقوش ظریف اسلیمی و گل‌های ختایی که در آن روزگاران کاربرد بیشتری داشتند از فولاد می‌ساختند. پس از تهیه جلد ساده که از مقوا و چرم ساخته شده بود، جلدسازان ضربی‌ها را داغ می‌کردند و با مشت ضربات یکنواختی روی قالب‌ها می‌کوبیدند؛ به همین سبب به این جلد‌ها کوبه‌ای هم گفته



تصویر ۲. نمونه ابزارها



تصویر ۳. نمونه جلد سلجوقی

می‌شود؛ سپس با وسیله‌ای چوبی به نام «اسکو» اطراف جلد را جدول‌کشی می‌کردند. این وسیله چوبی لبه‌ای نازک داشت، در حدی که به چرم آسیب نزند و فقط خط بیندازد. آستر این نوع جلد از میش ساده انتخاب و نصب می‌شد. به مرور برای تزئین بیشتر جلد از ورق طلا استفاده شد؛ به این ترتیب که ورق نازک طلا را در محل ضربی قرار می‌دادند و سپس ضربی را داغ کرده، روی طلا که در وسط جلد چسبانده شده بود می‌کوبیدند. گاهی هم پودر طلا که قابلیت انتقال به وسیله قلم‌مو را داشت نقوش را برجسته یا در زمینه نقوش هنرنمایی می‌کرد.

هنرمندان باذوق و بااستعداد ایرانی با ابداع این نوع جلد تأثیر به‌سزایی در هنر جلدسازی کشورهای مجاور گذاشتند؛ به‌گونه‌ای که عثمانی‌ها طرح‌های ترنج و سرترنج و لچکی را که در مرکز و گوشه‌های جلد ضرب می‌شد با اندک تغییری در شکل کلی قالب با چاشنی جلد‌های اروپایی تلفیق کردند و توانستند جلد‌های ضربی به‌شیوه ایرانیان بسازند. در شرق ایران، تا زمانی‌که هرات و بخارا و سمرقند جزو خراسان بزرگ، و مکتب هرات در آن خطه حکمفرما بود، آثار مکتوب و جلد‌های بسیار زیبایی را هنرمندان آن ایام به‌وجود آوردند.

فصلنامه نقدکتاب

میراث

سال اول، شماره ۳ و ۴
پائیز و زمستان ۱۳۹۳

۳۷۰

هنر سوخت‌معرق از زیباترین نمونه‌های جلدسازی دوره تیموریان است و در کنار هنرمندان صاحب نامی همچون کمال‌الدین بهزاد و دوست محمد قاطع و آقامیرک و دیگران که نسخه‌های ممتازی را خلق کردند جلدسازان بزرگی هم بودند؛ همچون قوام‌الدین مجلد و شاگردانش مخترع جلد‌های معرق.

این دوران باشکوه‌ترین ایام هنر نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی و جلدسازی بود. به موازات هنر جلدسازی سوخت و معرق استاد میرک در کتابخانه شاه‌رخی که ریاست آن به عهده کمال‌الدین بهزاد بود جلد روغنی را ابداع کرد. نقوش این نوع جلد‌ها به‌شکل جنگل و حیوانات وحشی در حالت شکار، گرفت‌وگیر اژدها و سیمرغ، شیرهای بالدار، گوزن، و صحنه‌های حیات‌وحش به نمایش درمی‌آمد.

این هنرهای بی‌بدیل روی چرم تیماج اجرا می‌شد؛ یعنی استاد میرک پس از طراحی و ساخت‌وساز، روی نقاشی‌ها را با روغن کمان می‌پوشاند و سپس با طلای پودر که با صمغ مخلوط شده بود اطراف نقوش را تحریر می‌کرد. پس از طلاکاری نقوش و جدول‌کشی و حاشیه‌سازی، چندین مرتبه به‌اندازه لازم سطح جلد را به روغن کمان آغشته می‌کرد. داخل این جلد‌ها با هنرزیبا و ظریف معرق تزئین می‌شد. سطوح معرق با دقت و به‌نازکی مو با نقش‌بر، ابزارهایی همانند تیغ‌های جراحی، بریده می‌شدند و سپس در محل‌هایی که قبلاً مشخص شده بود و با رنگ‌های متعدد و با پارچه‌های رنگی آماده شده بودند، چسبانیده می‌شدند.

شاید دشواری و محدودیت‌های جلد‌های ضربی سوخت و معرق که در ساخت آن‌ها حکاک باید برای هر اندازه و کتابی قالب مخصوص می‌ساخت و جلدساز باید آن قالب را داغ می‌کرد و با ضربات طاقت‌فرسا جلدی می‌ساخت و بعد از آن عملیات طلاکاری جدول‌کشی و اجرای نقوش همانند طناب و زنجیر می‌رسید که همه دقت و مهارت خاصی می‌طلبید، سبب شد جلد روغنی ابداع شود.

در این نوع جلد‌ها دست هنرمند در انتخاب نقوش دست کاملاً باز بود و با طرح‌ها و نقش‌های متفاوت، به‌راحتی جلد روغنی بسیار زیبایی می‌ساخت؛ با این حال جلد‌های سوخت و معرق تا قرون نهم و دهم پابرجا بودند و استفاده جلد‌های روغنی کم‌رنگ بود؛ تا این‌که در قرن یازدهم محمدزمان، حاج محمد، علی‌اشرف، آقاباقر و آقاصادق و آقاظفعلی شیرازی و خانواده، و آفانجف و فرزندانش جلد‌های روغنی ممتازی تولید کردند. از این

جلدها برای نسخه‌های کلام‌الله و دیوان شعرا و کتب علمی استفاده شد و از آن به بعد، انواع جلد‌های روغنی جایگزین جلد‌های سوخت معرق شدند.

اوج هنر این نوع جلد‌ها دوران قاجاری است که به‌طور اعجاب‌انگیزی بیننده را شگفت زده می‌کند و انسان بی‌اختیار به سمت این نسخه‌ها جذب می‌شود. در بعضی از آن‌ها، بیننده با دیدن جلد می‌تواند حدس بزند که محتوای نسخه چه موضوعی است؛ به‌طور مثال، برای کلام‌الله نقوش گل و بته یا بوته طراحی و اجرا می‌شد، برای ادعیه نقوش گل و بته به همراه پرندگان، برای دیوان شعرا گل و مرغ یا مجالس بحث و گفت‌وگوی عرفا و شعرا که مکتب شیراز و مکتب اصفهان از مکاتب بنام این هنر به‌شمار می‌آیند، و برای کتاب‌های نجوم هم از تصاویر صور فلکی برای طراحی کمک می‌گرفتند. داخل این نوع جلد‌ها با گل زنبق و نرگس شیراز تزئین و اجرا می‌شد.

فصلنامه نقد کتاب

میراث

سال اول، شماره ۳ و ۴
پائیز و زمستان ۱۳۹۳

۲۷۱

شیوه ساختن جلد‌های روغنی

برای ساخت جلد روغنی، جلدسازان ابتدا مقوای مورد نظر را از خمیره کاغذهای باطله و پارچه‌های پوسیده تهیه می‌کردند یا به‌طریق کاغذچسبانی که قبلاً ذکر شد، آن‌را می‌ساختند؛ سپس در قسمت عطف مقوا شکافی ایجاد می‌کردند و چرم نازکی را با سریش یا سریشم داخل آن شیار می‌چسباندند که عطف نامیده می‌شد. در ادامه، سطح مقوا را سریشم و بتونه



تصویر ۴. جلد روغنی

که از میل و گرد مقوا تهیه می‌شد، می‌زدند و پس از سمباده‌کاری برای اجرای بوم آماده می‌کردند. آن‌گاه بوم مورد نظر را که می‌توانست مرغش و زاند و ته طلائی دوده‌ای ابری یا انواع مختلف دیگری باشد، اجرا می‌کردند و روی آن را روغن کمان می‌زدند.

پس از آماده‌شدن بستر، جلدساز نقش را با سفیداب روی روغن کمانی که بوم را پوشانده اجرا می‌کرد و پس از خشک شدن، آن را با رنگ‌های زیبا پردازش می‌کرد و مجدداً روی جلد روغن کمان می‌زد. حال نوبت طلاکاری و جدول‌کشی و در صورت لزوم رقم‌گذاری (امضا) می‌رسید. در نهایت آن قدر روی جلد را روغن کمان می‌زدند تا گل و برگ‌ها و کلیه نقوشی که قبل از زدن روغن کم‌رنگ کار شده بودند به رنگ واقعی برسد.

رقابت تنگاتنگ هنرمندان باعث هرچه بهتر اجرا شدن این آثار می‌شد؛ به طوری که کارهای بعضی از هنرمندان همچون محمد اسماعیل نقاش باشی مورد توجه جهانگردان و اروپاییان قرار گرفت؛ و همین موضوع باعث شد امروزه بهترین کارهای این استاد در موزه‌های اروپایی باشد. این آثار چنان زیبایی و جذابیتی دارند که می‌توانند بیننده را ساعت‌ها تسخیر کنند و او را از دشواری کارهای روزمره عاری کند. جلد زیبا همانند لباس زیبایی است که برازنده انسان‌های مختلف است؛ لباس فاخری که نسخه‌های نفیس را در بر می‌گیرد.

علاوه بر جلدهای روغنی، جلدهایی هم برای دفاتر روزمره ساخته می‌شد که پوشش پارچه‌ای مانند زری، ترمه، مخمل، اطلسی، و نیز قلمکاری و چیت، یا کاغذ ساده یا ابری داشتند. این جلدها ارزش هنری نداشتند ارزش آن‌ها فقط در اجرای پاکیزه بود.

فصلنامه نقد کتاب

میراث

سال اول، شماره ۳ و ۴
پائیز و زمستان ۱۳۹۳

۳۲۲

نقد

سخنی چند با دوست عزیزم، آقای دکتر رستمی، مؤلف کتاب *جلدسازی ایرانیان*، از سلجوقیان تا قاجار.

همین‌که با این عنوان، یعنی هنر جلدسازی، کتابی نوشته شده است بسیار مهم است. برای این کتاب، واقعاً تحقیقات کامل و خوبی انجام شده و کتاب بسیار جامع است. زحمات و تحقیقات و پژوهش ایشان ستودنی و شایان تقدیر است و من به مصداق «نیمه پر لیوان را باید دید» به این کتاب می‌نگرم.

در هر کتابی ممکن است اشکالاتی باشد که این هم امری است طبیعی، و همین امر باعث تحقیق پژوهشگران بعدی خواهد شد؛ لذا به نکاتی چند اشاره می‌کنم؛ اگرچه خود ایشان به این اشارت واقف هستند. چون کتاب از نظر محتوای علمی بسیار عالی و پر بار است بخش عمدهٔ اشارات بنده معطوف به تصاویر است.

۱. صفحه ۱۸، چهار سطر آخر

در نسخه‌های ایرانی در عطف کتاب مقوا به کار نمی‌رود چون عطف کاملاً به کتاب می‌چسبید؛ اگر منظور قسمت اتصال سرطبل به لب جلد است لازم است، توضیح داده شود.

۲. صفحه ۱۸، چهار سطر آخر

در جلدهای مملوک کهن اشکال گل و گیاه رنگی به کار نمی‌رود و داخل جلد هم از چرم بریده استفاده نمی‌شود؛ این شیوه مخصوص جلدهای سوخت و معرق ایرانی است که اوج آن دورهٔ تیموریان است.

۳. صفحه ۴۰، اوایل ستون دوم

جلد شاهنامهٔ بایسنقری به شیوه ضربی- سوخت تهیه شده است، ولی در اوایل سدهٔ ۱۱ قمری نوعی مرمت به شیوهٔ نقل بر آن انجام شده و به دلیل فرسوده شدن لبه‌های جلد،

نواری از جنس چرم روی آن چسبانده شده است و سپس روی نوار به شیوه جلد‌های روغنی گل‌وبته کار شده است؛ حتی حد فاصل فضای مرکزی جلد و کتیبه‌های بازوبندی با طلا نقش برگ‌مویی حل‌کاری شده است. شاید این مرمت را محمد‌هادی یا آقامحمدباقر اصفهانی ساخته و پرداخته کرده‌اند.

۴. صفحه ۴۰

فصلنامه نقد کتاب

میراث

سال اول، شماره ۳ و ۴
پائیز و زمستان ۱۳۹۳

۲۷۳

برای جلد‌های روغنی در ایران سرطبل نمی‌گذاشتند، ولی در کشمیر جلد روغنی را که اقتباس از کار ایرانیان است، با سرطبل اجرا می‌کردند. این کار باعث فرسایش بیش‌ازحد جلد‌های اصلی می‌شود و بعضی اوقات به لت جلد می‌چسبد.

۵. صفحه ۸۰، تصویر ۴-۵

این جلد متعلق به دوره قاجار است؛ بنابراین قرارگرفتن آن در کنار جلد مملوک مفهومی ندارد. در رابطه با چیدمان تصاویر، اگر موضوع ساخت انواع جلد‌ها به ترتیب تاریخی در نظر گرفته می‌شد سیر تحول این هنر برای بیننده واضح‌تر بود.

۶. ص ۹۱، تصاویر ۴-۲۲، ۴-۲۳، ۴-۲۴

هر سه جفت این جلد‌ها روکش کاغذی دارد و ساخت کشورهای شرق ایران هستند و جایگاهشان در کنار جلد‌های نفیس سوخت معرق نیست؛ ضمن اینکه موضوع کتاب جلد ایرانی است.

۷. صفحه ۱۰۹، تصویر ۴-۵۱

این جلد هم ساخت هنرمندان ایرانی نیست؛ البته کیفیت پایین عکس اجازه بررسی دقیق را نمی‌دهد.

۸. صفحه ۱۱۰، تصویر ۴-۵۲

این جلد ساخت هنرمندان کشمیری است.

۹. صفحه ۱۱۱، تصویر ۴-۵۳

این جلد متعلق به دوران زندیه است؛ لذا جایگاهش از نظر سیر تکاملی در این محل نیست.

۱۰. صفحه ۱۱۳، تصویر ۴-۵۴

این جلد متعلق به اوایل زندیه است؛ بنابراین نمی‌تواند متعلق به ساق باشد، مگر اینکه کار رنگ‌آمیزی نقوش با فاصله زمانی بعد از ساخت و تکمیل جلد انجام شده باشد؛

جایگاه این تصویر هم قبل از تصاویر ۴-۶۳ و ۴-۵۷ نیست.

۱۱. صفحه ۱۱۸، تصویر ۴-۶۴

این جلد کاملاً ساخت هنرمندان عثمانی است.

۱۲. صفحه ۱۲۱، تصویر ۴-۷۰

این جلد هم کشمیری است.

۱۳. صفحه ۱۳۶، تصویر ۴-۹۶

این تک جلد برای آلبوم ساخته شده و متعلق به اوایل دوره پهلوی است. این نوع جلد امروزه در اصفهان به شکل صنایع دستی تولید می شود و مورد استفاده قرار می گیرد.

۱۴. صفحه ۱۶۱، تصویر ۳-۵

این جلد ساخت مراکش (مملوکی) است. مشاهده می کنیم که در آن فقط از نقوش هندسی استفاده شده است.

۱۵. صفحه ۱۶۴

این تصویر لبه قرآن کریم را نشان می دهد که با طلا حل کاری شده است.

به عنوان آخرین پیشنهاد

جای تعدادی عکس از ابزار و آلات جلدسازی در این کتاب مهم خالی است. شاید

وجود چنین عکس هایی برای مطالعه کننده کتاب راه گشا باشد. ●